

آسیب های اجتماعی و نقش اجتماعی معلم در کنترل این آسیب ها

زهرا صحرانشین کرباسکی^۱، یاسین خسروی ایرندگان^۲

^۱مدرس دانشگاه فرهنگیان، استادیار پردیس رسالت

^۲دانشجو کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان، پردیس شهید مطهری زاهدان (نویسنده

مسئول)

چکیده

امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی به ویژه در زمینه فضای مجازی و درگیر بودن اکثر افراد جامعه به ویژه کودکان و نوجوانان که در دوره بسیار حساس سنی شکل گیری شخصیت آنهاست باعث ایجاد دغدغه های بسیاری از این باب شده است. لذا سوالات اصلی که به ذهنمان در این باب خطور میکند به این صورت است که به چه شیوه هایی با چه ابزاری و توسط چه کسانی میتوان از این آسیب های این قشر بسیار حساس محافظت نمود آیا در صورت درگیر شدن با این آسیب های اجتماعی میتوان راه حلی یافت و یا چه اعمالی را باید انجام داد تا دانش آموزان حداکثر در مواجهه با این آسیب ها قرار نگیرند. پژوهش حاضر با بررسی چپستی و چرایی آسیب و آسیب اجتماعی به بررسی آسیب های اجتماعی از جنبه های مختلف و دیدگاه های مختلف به همه جوانب آسیب های اجتماعی که این قشر از جامعه نوجوان و جوان در مواجهه با این مسائل هستند پرداخته است و بعد از آن نقش بسیار حساس معلم را در دل این آسیب های اجتماعی باید دید چرا که معلمان کسانی هستند که با این قشر از جامعه بسیار سر و کار دارد ناگفته نماند خانواده جزو لاینفک اصلی این جبهه در عصر حاضر که دغدغه های عام مردم بیشتر شده است می باشد.

واژه های کلیدی: معلم، آسیب های اجتماعی، فضای مجازی، همسالان، هویت

مقدمه

معلمان نقش اصلی و محوری را در تربیت انسان‌های مفید و کارآمد جامعه به عهده دارند و اداره امور کشور در آینده به دست افرادی است که توسط معلمان امروز تربیت و پرورش یافته‌اند، تعلیم و تربیت صحیح دانش‌آموزان توسط معلمان باعث می‌شود که جامعه از آسیب‌های اجتماعی در امان باشد. (سفید سنگی، رضا و دیگران، ۱۳۹۸).

مدرسه از مهمترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شود. انتقال ارزش‌های اساسی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه‌ای که مدرسه دانش‌آموزان را متعهد می‌سازد ارزش‌های جامعه را درونی سازد. در این میان نقش معلم برای انتقال این ارزش‌ها غیر قابل انکار و دارای اهمیت زیادی است. (روحانی دهکردی، س و دیگران، ۱۳۹۱).

ازین باب که مدرسه و معلمان محوریت اصلی مقابله با این آسیب‌های این قشر از جامعه را دارن و با توجه به جایگاه دانش‌آموزان در رشد و پیشرفت جوامع سولاتی که در این مقاله مطرح است که عبارت انداز:

— آسیب اجتماعی چیست؟

— انواع آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان کدامند؟

— عوامل موثر در کنترل آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان کدامند؟

— آسیب‌های اجتماعی از چه جنبه‌هایی قابل بررسی هستند

— معلمان در مواجهه با این آسیب‌ها چه نقشی را دارند؟

— که در این مقاله به دنبال دستیابی به پاسخ این سولات می‌باشیم.

پیشینه تحقیق

چیستی آسیب اجتماعی

آسیب :

آسیب، سازه یا فعلی است که در کارکرد و توانایی یک پدیده ضعف و خدشه ایجاد میکند؛ میزان نفوذ را کاهش میدهد و حیات، بقا و کارکرد ساختار آن را در چالش قرار میدهد؛ به گونه‌ای که امکان ادامه حیات آن با مشکل روبه‌رو میشود (هزارجریبی، بلندیان، ۳۹: ۱۳۸۵)

هرگاه در یک نظام اجتماعی، رفتاری به طور مشخص، با هنجارهای اجتماعی تعارض پیدا کند، که موجب کاهش یا از دست دادن

کارایی و عملکرد مثبت فرد، خانواده یا گروه‌های اجتماعی شود، این پدیده آسیب اجتماعی شناخته می‌شود. (قاسمی گل افشانی، ۱۳۸۹).

آسیب‌های اجتماعی در تمامی ادوار گذشته و در تمامی جوامع گذشته وجود داشته‌اند اما در کشورهای در حال توسعه دارای رشد و نمو خاصی هستند. در کشور ما نیز این معضل به چشم می‌خورد و عوارض آن گریبان گیر ما نیز شده است (موسوی، ۱۳۷۹)

آسیب‌های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند

— از زوایه انسان، که هر انسان با هر دین و آئین و اعتقاد و فکر، و مذهب و گرایش و مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروه‌های آسیب پذیر یاری نمایند مثلا هر انسانی دوست دارد به پیر مرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند و...

— از زاویه اجتماعی اگر به این آسیب های اجتماعی بموقع رسیدگی نشود افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است.

— از جنبه سیاسی، که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق میدهد و بجای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده میشود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد مینماید، وجود آسیبهای اجتماعی، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد ضمن آنکه وجود آسیبهای اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است لذا لازم است که آسیبهای اجتماعی ریشه یابی شود و از کلی گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارهای مدرن به جزئیات آسیبهای اجتماعی توجه شود.

در برخورد با آسیب های اجتماعی تقلید کورکورانه از بیگانگان جایز نیست به دلیل اینکه آسیب های اجتماعی ارتباط کاملی با سنتهای هر جامعه دارد و الگو برداری از جوامع دیگر صلاح نیست.

سئوال، وظیفه حکومت در این مورد چیست؟ حکومت خوب حکومتی است که برای حل آسیبهای اجتماعی قرمول صحیح و منطقی همراه با نو آوری و ارائه ابتکارات و خلاقیتها در جهت رسیدن به شکوفایی داشته باشد سیاستهای اجتماعی هر جامعه ای روشهای مختلفی را در برخورد با آسیبهای اجتماعی پیشنهاد میکند. شیوه ی برخورد با این مسائل هم چنان که پیشتر گفته شد، ارتباط مستقیمی با این سیاستها دارد.

این سیاستها را هم نهادهایی که در تمامی جوامع وجود دارد تعیین میکند. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیبهای اجتماعی هم نظرگاه های مختلفی وجود دارد. عده ای روش انکار و پرده پوشی را تجویز می کنند و عده ای دیگر به روشهای پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی میکنند با قبول وجود این آسیبها، علت آنها را با استفاده از روشهای علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آنها از روشهای منطقی سود ببرند. این جوامع، آنهایی هستند که در آنها انباشت علمی صورت گرفته و در اثر ارتباط با فرهنگهای مختلف به سطحی از آگاهی رسیده اند که به حق آزادی و برابری انسانها و حق برخورداری تمامی انسانها از حقوق مادی و معنوی اعتقاد داشته باشند.

آن چه در مورد آسیبهای اجتماعی در ایران میتوان گفت این است که به وضعیت خاص سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، آسیب های اجتماعی علاوه بر این که مسئله ای اجتماعی شمرده میشوند، بارارزشی نیز دارند. یعنی یک آسیب که در یک جامعه ی با سیاست لیبرال، فقط یک جرم محسوب میشود،

در ایران علاوه بر جرم بودن، گناه به شمار می رود. این نگرش خاص به مسئله ی اجتماعی باعث میشود که مجرم یا منحرف بیشتر از آن که جامعه و روابط حاکم بر آن را عامل انحراف خود بداند، خودش را گناه کار مبیند و این میتواند یکی دیگر از آسیبهای فردی و اجتماعی باشد.

در جوامع مدرن امروز تمایل بر این است که این سیاستها هرچه بیشتر توسط نهاد آموزش و پرورش و نهاد خانواده به جامعه تزریق شده و نهاد سیاست حداقل دخالت را در این امور دارد. اما در جوامعی که در آنها نهاد سیاست قدرتمندتر است، این سیاستها توسط این نهاد وضع و به جامعه دیکته میشود. تجربه نشان داده است که جوامع نوع اول در مهار بحرانهای اجتماعی

موفق تر عمل کرده اند. چون مردم راهکارهای مقابله با آسیبهای اجتماعی را وضع و از آنها حمایت میکنند. اما در جوامعی که سیاستهای اجتماعی را نهاد سیاست وضع می کند، لاجرم باید ضمانتهای اجرایی آنها را هم تعیین کند که در این حال استفاده از نیروهای حافظ قوانین و حامی نظام سیاسی مثل پلیس ضرورت پیدا میکند.

حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی نیز به سیاست های اجتماعی مربوط است. در این مورد نیز وقتی حمایت از آسیب دیدگان به طور کامل در اختیار نهاد سیاست قرار می گیرد، این نهاد از دیدگاه منافع خود به آنها نگاه میکند، اما وقتی مردم یک جامعه به حمایت از این آسیب دیدگان میپردازند، بسیار عمیق تر و کامل تر عمل میکنند. چون مردم در متن این آسیبها قرار دارند، آنها را خوب می شناسند و برای حمایت از افرادی که دچار بحران هستند انگیزه های قدرتمندی دارند. یکی از راهکارهای حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، سازمانها و تشکلهای غیر دولتی است. این سازمانها که در تمامی جوامع ریشه دارند در عصر کنونی کارکردهای مختلف و موثری پیدا کرده اند و نقش مهمی در حیات جوامع ایفا میکنند. سازمان های غیردولتی با تاثیرگذاری در وضع و اجرای سیاستهای اجتماعی، در نقشهای مختلفی مثل مشاور دولت، منتقد دولت و گاه حتی به عنوان بازوی اجرایی سیاستهای اجتماعی دولتها فعالیت دارند. این سازمان ها با ویژگیهای منحصر به فردی که دارند، امروزه به نماد حکومت مردم تبدیل شده اند و به نظر می رسد در هر جامعه ای که این سازمانها فعال تر و گسترده تر عمل میکنند، آرمان حکومت مردم بر مردم دست یافتنی تر مینماید. فرد هنگامی که وارد جامعه میشود، نمیداند چه راه صحیح و مشروعی را باید در مواجهه با انواع نابهنجاریها و بحرانهای اجتماعی در پیش گیرد و در این صورت است که زمینه های انحراف برای او فراهم میشود و به سرعت بی هنجار و کج رو می گردد. نکته قابل توجه اینکه پدر باید نسبت به انحرافات و کجروی زن و فرزندانش دارای روحیه «غیرت دینی» باشد. «غیرت» نیروی بازدارنده ای است که مرد را در مقابل انحراف اعضای خانواده حساسش میکند و اجازه نمیدهد از هنجارهای شناخته شده تخلفی صورت گیرد (ضمیری، ۱۳۸۵)

اختلاف فرهنگی بین نسلها:

فاصله بین نسلها و نبودن صمیمیت در خانه. در این خصوص ۵ راهکار وجود دارد که عبارتند از دعوت کردن به راه خیرنه فقط با زبان بلکه با عمل، برخورد منطقی با خطاهای فرزندان، نظرخواهی از فرزندان در امور خانواده، رعایت عدالت بین فرزندان، ایجاد جهان بینی مشترک بین افراد. در این میان نقش مدرسه نیز با برگزاری جلسات آموزش اولیا و کارگاههای آموزشی حائز اهمیت است. (رئیس دانا، مجید) از موارد دیگر آسیب های تربیتی فاصله نسلی مذهبی دانش آموزان و مادران و عوامل مرتبط با آن می باشد که از نظر جامعه شناسی پدیده ای که عامل اختلاف و تعارض بین والدین و فرزندان می باشد فاصله نسلی نام دارد. هرچه شکاف و یا فاصله نسلی عمیق تر و وسیع تر باشد، امکان فهم و درک هر نسل از نسل دیگر مشکل تر میشود و بیگانگی آنها نسبت به هم بیشتر میشود. نکته های تربیتی فراموش شده در فرهنگ اصیل ما که عبارتند از: خودپروری از طریق دیگر پروری، نکات ریز در ساختار شخصیت، رازهای کامیابی فرزندان، ترغیب در کنار تبلیغ، تعلیم و تربیت حیات مدار، نظر (نگاه) انسانی - نظر (نگاه) رحمانی، تعلیم و تربیت سؤال مدار به جای تعلیم و تربیت پاسخ مدار، پرهیز از روش نازپروری، تربیت طبیعی، تربیت از راه دل، توجه به دانش آموز آسیب زا، اثر قصه

خوانی و افسانه گویی در تربیت. (جهانگرد، ۱۳۸۵)

فضای مجازی و هویت فرهنگی دانش آموزان

از مهم ترین ویژگی های فضای مجازی گسترش اهمیت فرد و حیطة خصوصی در برابر جمع و حوزه عمومی است. افراد و دانش آموزان در فضای مجازی در عین حال که میتوانند در گروههای مختلف و

گاه متضاد با هویت حقیقی خود حضور داشته باشند؛ میتوانند خود را جدا از دیگران و تنها نیز حس کنند. نبود مراتب قدرت در فضای مجازی باعث می شود، فردیت افراد و دانش آموزان در جمع حل نشود. در جهان واقعی قدرت انتخاب افراد، همواره تحت تأثیر عواملی چون جبر مکان، زمان، فرهنگ، حکومت و... محدود بوده است. اما در جهان مجازی مرزهای محدود کننده از میان برداشته میشود و شخص در مقیاس جهانی با گزینه های فراوانی برای انتخاب روبروست. لذا بر همین اساس در میان اقوام سنتی و مذهبی شاهد تاثیرات قابل ملاحظه ای در ایجاد انعطاف پذیری و شکستن مرزهای محدود کننده اعتقادی- فرهنگی هستیم. در فراسوی این تحول فرهنگی با پدیده ای به نام رفتارهای نو پدید اجتماعی رو به رو میشویم که در بازتولید جامعه پذیری افراد نقش به سزایی دارد. مهمترین متغیر در هویت ملی- فرهنگی، وحدت بخشی یا تمایز پذیری اجتماعی است. اجتماعی شدن و فردی شدن دو روی سکه تجدد و دوره مدرن هستند. یعنی دوره مدرن دارای یک دوگانگی در ساختار اجتماعی است که از یک طرف به اجتماعی شدن افراد منجر میشود و از طرف دیگر فردی شدن را تقویت میکند (نور محمدی، ۱۳۸۸). حاصل پویایی فرهنگ و سیر تحولی آن، تغییر پوسته ذهنیت اجتماعی است، که طی آن ارزشهای فرهنگی به صورت لایه های تفکیک پذیر، در پی یکدیگر قرار می گیرند. ارزشهای منسوخ نیز در بعضی شرایط احیا میشوند و رفتار اجتماعی را با ایدئولوژی جدید تحت تاثیر قرار میدهد. (نورائی، ۱۳۸۸). هویت اجتماعی احساسی است که افراد نسبت به خود دارند. هویتهای اجتماعی صرفا رؤیاهای روزانه نیستند بلکه منبع اصلی نقشه عمل ما هستند؛ گرایش به ایده آل بودن دارند و اغلب در برخورد با واقعیت در تضاد با آن قرار میگیرند. همسالان و آسیب های اجتماعی جامعه پذیری یا اجتماعی شدن، از نظر لغوی به معنای انطباق و آشناسازی با جامعه است (حق شناس و همکاران، ۸۴۲: ۱۳۸۷). در جامعه شناسی، این مفهوم به فرایندی اطلاق میشود که در آن، افراد ویژگیهایی کسب میکنند که شایسته عضویت آنها در جامعه است (۶۴۹: ۲۰۰۷ Scruton). به عبارتی دیگر، جامعه پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزشها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا میگیرد، آن را درونی و با شخصیت خود، یگانه میکند (سلیمی و داوری، ۱۴۴: ۱۳۸۵).

صالح در سال ۱۳۹۶ تحت عنوان، نقش آموزش و پرورش و معلم در کنترل یا کاهش آسیب های اجتماعی دانش آموزان انجام داده است نتیجه گرفته است که، آموزش و پرورش به عنوان اصلیتترین نهاد اجتماعی بیشترین تاثیر تربیتی را بر روی یکایک افراد جامعه دارد به شرطی که به موقع و به جا، بتواند کارکرد جامعه پذیری و در کنار آن پیش گیری از آسیب های اجتماعی را فاقد هیچ وقفه و خللی به شکلی مطلوب و مناسب به انجام رساند. (صالح ۱۳۹۶)

در تحقیقی که جرسی زهرا، پور احمدی پرور عباس زاده اشرف در سال ۱۹۶ اینچنین استنباط نمودند که ریشه آسیب پذیری های اجتماعی دانش آموزان را باید در عدم آشنایی کافی آنها با مهارتهای اجتماعی دانست؛ به طوری که نقطه ی کوری در رشد شخصیت دلخواه و اجتماعی جوانان وجود دارد و آن این است که متا سفانه جوانان امروز خود را نشناخته اند و به توان و قدرت فراوان خود باور ندارند، به علاوه از شرایط و موقعیت اجتماعی خود آگاهی ندارند. مع الوصف بررسی نقش آموزش مهارتهای اجتماعی در کاهش آسیب های اجتماعی در مدارس ضروری است. (جرسی زهرا و همکاران، ۱۳۹۵)

عوامل مستعدکننده بروز آسیب های اجتماعی ویژگی های خانوادگی نظیر خانواده های از هم گسیخته شکاف فکری و عاطفی بین والدین و فرزندان، ضعف اخلاقی و بی بند و باری در خانواده ها، دوستان ناباب و فشار گروه همسالان، نداشتن

آگاهی نوجوانان در زمینه مهارت های زندگی برخوردارهای نامناسب والدین، ویژگی های سنینی و قرار داشتن در سنین بلوغ نظیر خودمحوری، استقلال طلبی، سرکشی در مقابل بزرگ ترها، اختلال در هویت فردی، آگاهی والدین از اصول تعلیم و تربیت و مهارت های زندگی، در دسترس بودن مواد مخدر، سیگار، تأثیرات منفی برنامه ها و محتوای نامناسب در رسانه های جمعی که سبب گرایش نوجوانان و جوانان به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی می شود، برنامه ریزی های آموزشی نامناسب و غییر اصولی برای دانش آموزان در مدرسه و... از عوامل مستعد کننده ی بروز آسیب های اجتماعی می باشد. (طباطبایی و آتش نفس، ۱۳۹۰)

نقش معلم در کنترل این آسیب های اجتماعی

با توجه به هدف تعلیم و تربیت، وظیفه معلم نیز روشن است. او باید بکوشد که موجود بی تجربه و ناقصی را به سرحد ترقی و کمال برساند و برای زندگی نوین آماده کند. اجتماع همواره رو به تکامل می رود و محیط اجتماعی نسل به نسل پیچیده تر می شود، در نتیجه معلم باید بداند سرنوشت افرادی که به زودی وارد جامعه می شوند به دست او سپرده شده است. او باید بکوشد تا برای جامعه، انسان واقعی بسازد. معلم باید مانند سربازی فداکار در راه خدمت به انسانهایی که به کمک تربیت به اوج تعالی می رسند و بر اثر غفلت و بی توجهی در حوض پستی و نابخردی سقوط می کنند، تالش کند. باید مانند یک پزشک، نبض یکایک دانش آموزان را در دست داشته باشد و در راه ریشه کن کردن صفات زشتی که از هر بیماری خطرناک تر است از جان و دل مایه بگذارد تا صفات عالی انسانی را در نهانشان پرورش داده و آنها را به گوهر هنر و فضیلت بیاراید (بهشتی، ۱۳۸۷)

در میان پاره عوامل تشکیل دهنده ی عامل برنامه درسی، نتایج بدست آمده نشان می دهد که اساسی ترین اشکال در روشهای یاددهی-یادگیری است. عدم تسلط کافی معلم در تدریس و استفاده از روشهای سنتی و حافظه مدار و یک طرفه وعدم توجه به ایجاد فرصت های یادگیری مناسب، تأثیری قاطع بر شکست تحصیلی دارد. عدم ارتباط هدفهای درسی با نیازها و عالیق دانش آموزان و عدم تناسب با اوایت های جامعه، عدم ارتباط عاطفی صحیح میان معلم و دانش آموز، ضعف تخصصی و دانش تربیتی معلمان و عدم توانایی در جذب و عالقمنند ساختن دانش آموز به تحصیل و... عاملی اثرگذار بر ترک تحصیل تلقی میشود. (سلسبیلی و قاسمی، ۱۳۸۴). کیفیت و محتوای آموزشی و چگونگی ارائه آن به نوجوانان مهم است و این امر باید با روحیه، مقتضیات سنینی و انتظارات آنان هماهنگ باشیید. به عبارتی، چنانچه آموزش از آنجا شیرووع شیوود که نوجیوان میخواهد و به جایی ختم شیوود، که فرادهنییدگان می خواهدند تأثیر زیادی خواهد داشت. همچنین بهتر است آموزش به نوجوانان در این زمینه به صورت شییرح جزئیات و اطالعیات اضافی و غیر ضروری، نظیر شناسایی راه های استفاده از مواد یا معرفی جزئیات نباشد. در نهایت، چنانچه آموزش به نوجوانان در زمینه پیش گیری از رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی بیه روش معقوالنه و با تدبیر و برنامه ریزی باشد و حس کنجکاوی آنان به طور صحیح مدیریت شود، راهکاری مفید و مؤثر است (طباطبایی و آتش نفس، ۱۳۹۰). دانش آموزان تحت تاثیر رفتار و گفتار و کردار معلم قرار دارند و کمترین توهین، تحقیر و توبیخی از سوی او را ملکه ذهن خود می کنند (شاهبای، ۱۳۸۵). معلمان بهترین کسانی هستند که می توانند با دشوارترین دانش آموزان ارتباط برقرار سازند. آنان خسته نمی شوند، نمی ترسند و نسبت به دانش آموزانشان توجه همدالنه دایمی دارند، هر چند که خود نیز باید احساس راحتی و امنیت خاطر داشته و صادقانه مورد احترام و توجه باشند. (طباطبایی و آتش نفس، ۱۳۹۰)

فرضیه پژوهش

همه دانش آموزان در مواجهه با آسیب های اجتماعی قرار دارند و معلمان توانایی کنترل این آسیب ها را دارد. همه دانش آموزان در مواجهه با آسیب های اجتماعی قرار دارند و معلمان توانایی مقابله با همه آسیب های اجتماعی را ندارد. روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است. به همین منظور از منابع چاپی و دیجیتالی شامل کتاب، مقاله، پایان نامه و تحقیقات... استفاده شده است.

یافته ها

با توجه به مباحث مطرح شده زمانی که بحث اجتماع پیش می آید در واقع بحث بر روی نسلی است که بخشی از جامعه ی ما است که با نیازها و خواسته های متفاوت با سایر نسل ها در مواجهه با آنها هستیم که همین قشر در آینده بخشی از جامعه میشوند که در مسیر تربیت در جامعه مفید یا مضر خواهند شد.

دانش آموزان: در واقع در نسل های امروزی با توجه به تغییرات و تحولات علمی فناوری تکنولوژی و فضای مجازی نا خودآگاه در مواجهه بیشتر با آسیب های اجتماعی هستند موفقیت در مسیر تربیت دانش آموزان و کنترل آنها از آسیب های اجتماعی در گرو آگاهی بیشتر نسبت به این آسیب های اجتماعی است چرا که شناخت ابعاد مختلف یک آسیب ما را به این وا میدارد راه های کنترل آن را هم پیدا کنیم نسل امروزی در مقایسه با نسل های قبلی می توان گفت با آگاهی بیشتر و خطر پذیری بیشتر هستند چرا که یکی از این آسیب های اجتماعی مهم که فضای مجازی می باشد دانش آموزان و قشر نوجوان را نا خودآگاه در مواجهه با فرهنگ های مختلف قرار می دهد و طبق خواسته و میل آنها گاه این فرهنگ ها برایشان ارزش پیدا میکند چه درست و چه غلط باشد از این باب سه رکن اصلی که در کنترل این آسیب ها نقش دارند یعنی ۱- معلمان ۲- مدرسه و ۳- اولیا(خانواده)

معلمان که در مواجهه مستقیم با دانش آموزان دارای افکار و فرهنگ های مختلف جدا از نیازهای متفاوت نسبت به نسل های دیگر هستند که مسئولیت سنگین تری را بر عهده دارد از این باب معلمان نقش و وظیفه بسیار حساسی را بر دوش میکشد چرا که این مسئولیت نیازمند مولفه هایی چون آگاهی انعطاف پذیری صبوری پاسخ دهی به نیازهای مختلف اصلاح رفتارها اصلاح آسیب های اجتماعی دانش آموزان و نوجوانان و... رابر عهده دارند یک معلم حرفه ای به همه این مولفه ها تسلط کافی را است

بحث و نتیجه گیری

با بررسی آسیب های اجتماعی از جنبه های مختلف از دیدگاه های مختلف و علل بروز این آسیب های اجتماعی در جامعه هدف یعنی دانش آموزان به این نتیجه میرسیم که دانش آموزان در دوره ها و بازه های مختلف زمانی دچار آسیب های اجتماعی مختلف می شود یک معلم باید این انعطاف و توانایی را داشته باشد که در هر بازه و در شرایط مختلف در مواجهه با این آسیب ها آنها را کنترل و یا از بروز این آسیب ها جلوگیری کند معلم که رکن اصلی این جبهه است مدرسه و خانواده که یک مکان و نهاد بسیار مهم در تغییر و جهت دهی دانش آموزان و فرزندان در مسیر درست هستند نباید به فراموشی سپرده شود چرا که یک زنجیره ای بین مدرسه معلم و خانواده برای کنترل و پرورش شکوفایی استعدادهای دانش آموزان و حفاظت از آنها در مواجهه با این آسیب ها وجود دارد.

منابع:

۱. سفید سنگی، رضا و دیگران. (۱۳۹۸). «بررسی نقش معلمان در رابطه با فعالیت‌های تربیتی-اجتماعی دانش آموزان». مجموعه مقالات همایش آموزش ابتدایی. صص: ۱۳-۱.
۲. روحانی دهکردی، س و دیگران. (۱۳۹۱). «مدرسه و نقش آن در تعلیم و تربیت ارزش‌ها». مجله معرفت. شماره: ۱۷۹. صص: ۱۰۳-۹۵
۳. هزارجریبی جعفر، بلندیان غالمحسین، درآمدی بر مفهوم شناسی آسیب امنیتی، منبع، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، ۵۳-۳۵: صفحه ۲۷ : شماره ۷ : دوره، ۱۳۸۵
۴. قاسمی گل افشانی، محمدرضا، ۱۳۸۹، آسیب‌های اجتماعی، رشد علوم اجتماعی، شماره ۴۹-۳۲
۵. موسوی، سیدحسن، ۱۳۷۹، توسعه و آسیب‌های اجتماعی، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۰، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور-ضمیری، ۱۳۸۵،
۶. جهانگرد، یدالله. نحوه رفتار والدین با فرزندان
۷. نورمحمدی، مرتضی (۱۳۸۸). تاثیر فضای مجازی بر عرصه هویت. مجلات عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی. شماره ۲
۸. نورائی، مهرداد (۱۳۸۸). تغییر و تحول فرهنگی و هویت اجتماعی. نشریه دانش. شماره ۱۱۷.
۹. صالح، ۱۳۹۶، نقش آموزش و پرورش و معلم در کنترل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش آموزان
۱۰. زهرجاریسی-پرور پوراحمدی-اشرف عباسزاده، ۱۳۹۵، دومین همایش ملی روانشناسی مدرسه، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی اردبیل
۱۱. بهشتی، احمد، ۱۳۸۷، تربیت کودک در جهان امروز، قم، موسسه بوستان کتاب
۱۲. سلسیلی، نادر، قاسمی، نرجس، ۱۳۸۴، عوامل موثر بر شکست تحصیلی، نشریه تعلیم و تربیت، شماره ۲۲-۸۳
۱۳. آتش نفس، الهه، طباطبایی، سیدموسی، ۱۳۹۰، دو نیمه آسیب‌ها (بررسی عوامل مستعد کننده و باز دارنده بروز آسیب‌های اجتماعی در دانش آموزان)،
۱۴. رشد، دوره ۶-شاهبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۵، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات ژوبین